



دانشگاه قرآن و حدیث
پدیس تهران

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته علوم حدیث

گرایش نهج البلاغه

عنوان پایان نامه

روش شناسی رویارویی امام علی × با خلفای سه گانه در جهت اثبات حقانیت خویش

استاد راهنما

جناب آقای مصطفی دلشاد تهرانی

استاد مشاور

حجه الاسلام و المسلمین احمد غلامعلی

دانشجو

حمیده افشارنژاد

ماه و سال دفاع

دی ۱۳۹۲

تمام حقوق این اثر متعلق به دانشگاه قرآن و حدیث است.

تقدیم به:

ماحصل آموخته‌هایم را تقدیم می‌کنم به آنان که مهر آسمانی شان آرام بخش آلام زمینی‌ام است

به استوارترین تکیه گاهم، دستان پرمهر پدرم

به سبزترین نگاه زندگیم، چشمان سبز مادرم

که هرچه آموختم در مکتب عشق شما آموختم و هرچه بکوشم قطره‌ای از دریای بی‌کران مهربانیتان را سپاس
نتوانم بگویم امروز هستی‌ام به امید شماست و فردا کلید باغ بهشت‌م رضای شما ره آوردی گران سنگ‌تر از این
ارزان نداشتم تا به خاک پایتان نثار کنم، باشد که حاصل تلاشم نسیم گونه غبار خستگی‌تان را بزدايد بوسه بر
دستان پرمهرتان.

و تقدیم به همسرم که سایه مهربانیش سایه سار زندگیم می‌باشد،

او که حس تعهد و مسئولیت را در زندگی‌مان تالوئی خدایی داده است.

سپاس گذاری:

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت‌های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. و سلام و مورد بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است. بدون شک جایگاه و منزلت معلم، اجل از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی شائبه‌ی او، با زبان قاصر و دست ناتوان، چیزی بنگاریم اما از آن جایی که تجلیل از معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تامین می‌کند و سلامت امانت‌هایی را که به دستش سپرده‌اند، تضمین؛ بر حسب وظیفه و از باب "من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزّ و جلّ" از استاد با کمالات و شایسته؛ جناب آقای مصطفی دلشاد تهرانی که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نمودند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند؛ از استاد صبور و با تقوا، جناب آقای احمد غلامعلی که زحمت مشاوره این رساله را در حالی متقبل شدند که بدون مساعدت ایشان، این پروژه به نتیجه مطلوب نمی‌رسید و از استاد گرانقدر اخلاق و معرفت جناب آقای مسعود رفیعی که با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سرای علم و دانش را با راهنمایی‌های کار ساز و سازنده بارور ساختند کمال تقدیر و تشکر را دارم. و همچنین با سپاس بی دریغ خدمت دوستان گران مایه‌ام خانم‌ها نجمه رشیدی‌کیا و فاطمه عسکریان که مرا صمیمانه و مشفقانه یاری داده‌اند.

چکیده:

حقانیت امیرمؤمنان و شیوهی رفتاری ایشان پس از پیامبر با خلفائی که حق خلافت را غصب کرده بودند این شبهه را پدید می آورد که چرا علی \times در پی احقاق حق خود برنیامد. و چگونه به خلافت خلفاء تن در داد و حتی با آنان همکاری کرد. در پژوهش حاضر با گردآوری سخنان امیرمؤمنان و بررسی موقعیت تاریخی عصر پس از پیامبر |، موانعی شناسایی شده است که وجود آنها مانع احقاق حق علی \times شد و امیرمؤمنان بهترین روش را در رویارویی با خلفاء برگزید به گونه‌ای که همان مردم پس از ۲۵ سال با اصرار خلافت را به علی \times بازگرداندند. موانع سیاسی استخراج شده که پیش روی امیرمؤمنان قرار گرفته‌اند عبارتند از: کینه جویی عرب، اعتقاد به جمع ناپذیری نبوت و خلافت در یک خاندان، دشمنی قریش، قبیله گرایی، حزب گرایی، سرعت عمل گردانندگان سقیفه و موانع فرهنگی: فرهنگ شیخوخیت، فرهنگ جاهلی، احساس خود باختگی و موانع اجتماعی: شبهه افکنی سردمداران سقیفه، ناپایداری مردم، اختلاف و فروپاشی مسلمانان، روحیهی متزلزل دینی، نداشتن پایگاه اجتماعی همگی مانع از احقاق حق سریع شدند. در این مدت امیرمؤمنان به اصول ویژه‌ای مانند: اصل وحدت، اصل صبر و استقامت، اصل عدم انطلام و اصل اعتدال پای بند بود و برای رسیدن به حقانیت خویش از روش‌های گفتاری مانند: معرفی شخصیت حقوقی خویش، استدلال و احتجاج، دعوت خصوصی از مردم، اعتراضات علنی، رویارویی ویژه با توطئه سقیفه بهره‌مند شد و در رفتار نیز به این روش‌ها: همکاری با خلفاء، مشاوره دادن به خلفاء، و انتقاد از خلفاء دست یازید.

و سرانجام دستاورد علی \times از این رویارویی پذیرش حقانیت از سوی همه‌ی مردم با اصرار بود.

کلید واژه‌ها: امام علی \times ، رویارویی با خلفاء، اثبات حقانیت، وحدت، امامت

فهرست:

۱۳	۱. کلیات و مفاهیم.....
۱۳	۱.۱. کلیات.....
۱۳	۱.۱.۱. بیان مسئله تحقیق.....
۱۴	۱.۱.۲. سؤالات تحقیق.....
۱۴	۱.۱.۳. فرضیات تحقیق.....
۱۴	۱.۱.۴. ضرورت و اهداف تحقیق.....
۱۴	۱.۱.۵. پیشینه‌ی تحقیق.....
۱۵	۱.۱.۶. روش پژوهش.....
۱۵	۱.۲. مفاهیم.....
۱۵	۱.۲.۱. مفهوم شناسی امامت و خلافت.....
۱۵	۱.۲.۱.۱. مفهوم لغوی امامت و خلافت.....
۱۶	۱.۲.۱.۲. مفهوم اصطلاحی امامت و خلافت.....
۱۸	۱.۲.۲. وحدت اسلامی.....
۱۹	۱.۲.۲.۱. تلاش امام برای حفظ وحدت امت.....
۲۰	۱.۲.۲.۲. دیدگاه علامه امینی درباره‌ی وحدت.....
۲۱	۱.۲.۳. سقیفه به روایت بخاری.....
۲۴	۲. موانع اثبات حقانیت امام علی X.....
۲۴	۲.۱. موانع سیاسی.....
۲۴	۲.۱.۱. کینه جویی عرب.....
۲۵	۲.۱.۲. اعتقاد به جمع ناپذیری نبوت و خلافت در یک خاندان.....
۲۷	۲.۱.۳. دشمنی قریش.....
۲۸	۲.۱.۴. قبیله گرایی.....
۳۰	۲.۱.۵. حزب گرایی.....
۳۱	۲.۱.۶. سرعت عمل گردانندگان سقیفه.....
۳۲	۲.۲. موانع فرهنگی.....
۳۲	۲.۲.۱. فرهنگ شیخوخیت.....
۳۴	۲.۲.۲. احساس خودباختگی.....
۳۴	۲.۲.۳. روحیه‌ی جوّزدگی.....

- ۲.۳. موانع اجتماعی ۳۵
- ۲.۳.۱. شبهه افکنی سردمداران سقیفه ۳۵
- ۲.۳.۲. ناپایداری مردم ۳۷
- ۲.۳.۳. اختلاف و فروپاشی مسلمانان ۳۸
- ۲.۳.۴. روحیه متزلزل دینی ۳۹
- ۲.۳.۵. نداشتن پایگاه اجتماعی ۴۱
۳. اصول اثبات حقانیت امام علی X ۴۴
- ۳.۱. اصل وحدت ۴۴
- ۳.۱.۱. اهمیت وحدت در دیدگاه حضرت علی X ۴۴
- ۳.۱.۲. ترجیح اصل وحدت ۴۸
- ۳.۲. اصل استقامت ۵۴
- ۳.۳. اصل عدم انزلام ۵۷
- ۳.۳.۱. جایگاه و اهمیت عدم انزلام ۵۷
- ۳.۳.۲. خروج بر زمامداران خود کامه و قیام بر ضد ستم ۵۷
- ۳.۳.۳. تظلم و دادخواهی علی X از قریش: ۶۱
- ۳.۳.۴. مظلومیت یا ستم پذیری ۶۱
- ۳.۴. جایگاه اصل اعتدال ۶۲
- ۳.۴.۱. امت معتدل ۶۳
- ۳.۴.۲. اعتدال در روابط اجتماعی ۶۴
۴. روش‌های اثبات حقانیت امام علی X ۶۷
- ۴.۱. روش‌های گفتاری ۶۷
- ۴.۱.۱. معرفی شخصیت حقوقی خویش ۶۷
- ۴.۱.۱.۱. تصریح آشکار امام به بودن حق مسلمش ۶۸
- ۴.۱.۱.۲. شکست سکوت و اثبات خلافت و شایستگی خود ۷۲
- ۴.۱.۱.۳. سخنانی از حضرت برای اثبات حق خلافتشان ۷۴
- ۴.۱.۲. استدلال و احتجاج ۷۷
- ۴.۱.۲.۱. نوع اسناد درباره‌ی حقانیت علی X ۷۸
- ۴.۱.۲.۲. اسناد صریح ۷۸

- ۷۸..... ۴.۱.۲.۳. اسناد ضمنی و خطابی
- ۷۹..... ۴.۱.۲.۴. تأیید خلفا
- ۷۹..... ۴.۱.۲.۵. استناد امام علی X و یارانش به نصوص
- ۸۳..... ۴.۱.۳. دعوت خصوصی از مردم
- ۸۳..... ۴.۱.۴. سوگند دادن شاهدان واقعه غدیر
- ۸۴..... ۴.۱.۵. اعتراضات علنی
- ۸۵..... ۴.۱.۵.۱. ایراد خطبه و سخن به صورت شکوائیه
- ۸۶..... ۴.۱.۶. رویارویی ویژه با توطئه سقیفه
- ۸۷..... ۴.۱.۶.۱. صبر و بردباری
- ۸۹..... ۴.۱.۶.۲. جلوگیری از اشتعال آتش فتنه
- ۹۱..... ۴.۱.۶.۳. تقبیح و نکوهش رفتار انصار و مهاجرین
- ۹۲..... ۴.۱.۶.۴. بی‌اعتنایی به حکومت دنیا
- ۹۳..... ۴.۱.۶.۵. ایراد خطبه‌های افشاگرانه
- ۹۴..... ۴.۲. روش رفتاری امیر مؤمنان X
- ۹۵..... ۴.۲.۱. روابط حضرت علی X با خلفا
- ۹۸..... ۴.۲.۱.۱. موضع حکیمانه
- ۱۰۳..... ۴.۲.۲. سطوح فعالیت امام در دوران خلفا
- ۱۰۴..... ۴.۲.۲.۱. روابط امام علی با خلیفه اول
- ۱۰۵..... ۴.۲.۲.۱.۱. موارد همکاری امام با خلیفه اول
- ۱۰۷..... ۴.۲.۲.۱.۲. احتجاج علی X با ابوبکر
- ۱۱۰..... ۴.۲.۲.۲. روابط امام علی X با خلیفه دوم
- ۱۱۰..... ۴.۲.۲.۲.۱. شواهد روابط تیره امام X با خلیفه دوم
- ۱۱۱..... ۴.۲.۲.۲.۲. امام علی X در روزگار خلافت عمر
- ۱۱۲..... ۴.۲.۲.۲.۳. شورای تعیین خلیفه
- ۱۱۳..... ۴.۲.۲.۲.۴. فاش کردن سر شوری توسط علی X
- ۱۱۴..... ۴.۲.۲.۲.۵. چرایی حضور علی X در شورا
- ۱۱۴..... ۴.۲.۲.۲.۳. مشاوره‌های عثمان با امام X
- ۱۱۵..... ۴.۲.۳. امام علی X و انتقاد از خلفا
- ۱۱۵..... ۴.۲.۳.۱. انتقادهای کلی امام علی X
- ۱۱۸..... ۴.۲.۳.۲. انتقادهای امام علی X از خلیفه اول

۴.۲.۳.۳. انتقاد امام علی × از خلیفه دوم ۱۲۰

۴.۲.۳.۴. انتقادهای امام علی × از خلیفه سوم ۱۲۱

نتایج: ۱۲۴

منابع و مأخذ ۱۲۵

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱ کلیات و مفاهیم

۱/۱ کلیات

توجه به مقدماتی چون بیان مسئله‌ی تحقیق، سؤالات، فرضیات، اهداف و ضرورت آن برای دستیابی به دورنمای از جهت پژوهش رساله و مسیر حرکت علمی آن، الزامی است. از این رو در بخش کلیات به آن‌ها پرداخته‌ایم.

۱/۱/۱ بیان مسئله تحقیق

جریان خلافت پس از رسول خدا و غصب حق امام علی \times سبب واکنش‌های گوناگونی از صدر اسلام تاکنون شده است. در این میان عملکرد امام علی \times به‌عنوان اصلی‌ترین فرد ذی‌حق، با خلفا شایسته‌ی مطالعه‌ی دقیق هست.

حضرت علی \times برای تبیین حقانیت خود روش‌های مختلفی را به کار می‌گرفتند، برای مثال گاهی از روش‌های مستقیم و گاهی از روش‌های غیرمستقیم استفاده می‌کردند. روش مستقیم یعنی به طور صریح بیان می‌کردند و نص صریح می‌آوردند و گاهی در پرده و بدون نام بردن شخصی از حق خود دفاع می‌کردند. گاهی حضرت برای بیان حقانیت خود از لیاقت و شایستگی خود نسبت به خلفای دیگر سخن به بیان می‌آوردند و گاه از نزدیکی و قرابت خود به پیامبر صحبت می‌کردند در این پایان‌نامه ما به دنبال این هستیم که تمامی روش‌هایی که حضرت برای بیان حقانیت استفاده کردند را استخراج کنیم و به این پرسش پاسخ دهیم که در صورت بیان صریح حقانیت، چگونه مردم از یاری ایشان دریغ کردند؟

۱/۱/۲ سوالات تحقیق

- ۱- حضرت علی × برای اثبات حقانیت خود به چه اصولی پای بند بوده است؟
- ۲- حضرت علی × برای اثبات حقانیت خود از چه روش‌هایی استفاده می‌کردند؟
- ۳- حضرت علی × در مسیر اثبات حقانیت خود در برابر خلفا با چه موانعی مواجه بوده است؟

۱/۱/۳ فرضیات تحقیق

- ۱- امام علی × با توجه به اصولی چون اصل عدم انظلام، اصل وحدت، اصل صبر و استقامت و... در جهت اثبات حقانیت خود تلاش نمودند.
- ۲- امام × بر پایه‌ی اصول پیش‌گفته با استفاده از روش‌هایی مثل موعظه، انتقاد، استدلال، بیان شایستگی‌های خود نسبت به خلفا در مواضع گوناگون و... به اثبات حقانیت خود می‌پرداختند.
- ۳- امام علی × برای اثبات حقانیت خویش با موانع چندی روبرو بوده از جمله خطر جنگ داخلی، تفکرات حاکم بر جامعه، تقلید کورکورانه مردم از سران قبائل و مانند این‌ها که حضرت برای از پیش رو برداشتنشان تلاش می‌کردند.

۱/۱/۴ ضرورت و اهداف تحقیق

- ضرورت نخست: نقد کردن ادعای رضایت امیرمؤمنان از خلافت خلفاء.
- ضرورت دوم: نقد کردن ادعای واگذاری حق خلافت از سوی امیر مؤمنان به خلفاء.
- ضرورت سوم: تبیین علت واقعی صبر امیر مؤمنان در برابر دستگاه خلافت.
- اهداف: نمایاندن دلایل واقعی همراهی امام علی × با دستگاه خلافت.

۱/۱/۵ پیشینه‌ی تحقیق

درباره‌ی این موضوع در منابع کهن از جمله: کتب الامامه و السیاسه ابن قتیبه، تاریخ طبری، انساب الاشراف بلاذری، فتوح ابن اعثم کوفی مطالبی درباره‌ی تحولات پس از پیامبر آمده است که از بخش‌هایی از این مطالب می‌توان موضوع مورد بحث ما را دریافت ولی به طور مستقیم چیزی در این باره نیامده است.

در منابع جدید هم در کتب: روابط امام علی × و خلفا به روایت نهج‌البلاغه از رجبی، موسوی کاشمری، رهدار؛ حکومت و سیاست‌نامه امیرالمؤمنین × به شیعیان درباره‌ی خلفا «تشریح جریان سقیفه و اوضاع

سیاسی تا سال ۳۹ هجری»، علی اکبر ذاکری، حکومت علی نماد حق‌گرایی از علی اکبر نوایی، امام علی X و احتجاج به حدیث غدیر از محمد انور فیاضی نکاتی گفته شده است ولی به طور جامع و خاص به روش‌شناسی رویارویی حضرت علی X با خلفای سه گانه در جهت اثبات حقانیت خویش پرداخته‌اند و ما در این پایان نامه در پی روش‌های حضرت به طور خاص هستیم.

۱/۱/۶ روش پژوهش

روش به کار برده شده در این نوشتار تاریخی، حدیثی، تحلیلی است. مراحل تحقیق: انتخاب موضوع یا طرح مسأله، تبیین موضوع، ارائه فرضیه، تنظیم طرحنامه، گردآوری اطلاعات، پردازش اطلاعات و تدوین می‌باشد. در روند این تحقیق ابتدا منابع مربوط به موضوع روابط امام علی X و خلفاء مورد بررسی قرار داده و سپس به کتب تاریخی رجوع کرده و با این زمینه مطالعاتی به مرور نهج البلاغه پرداخته و در جاهایی که لازم دیده می‌شد به شروح آن مراجعه نموده و به تدوین پایان نامه پرداخته شد.

۱/۲ مفاهیم

۱/۲/۱ مفهوم شناسی امامت و خلافت

مفهوم لغوی امامت و خلافت

«و أمّا الهمزة و المیم فأصلٌ واحدٌ، یتفرّع منه أربعة أبواب، و هی الأصل، و المرجع، و الجماعة، و الدین. و هذه الأربعة متقاربة»^۱ «الامام کلّ من اقتدی به و قدّم فی الامور»^۲ امام کسی است که به او اقتدا می‌شود، و در امور، پیشوای مردم قرار می‌گیرد. پس، امام از نظر لغت کسی است که عده‌ای از او پیروی و به او اقتدا کنند و او را پیشوای خود قرار دهند. بنابراین، مقتدا بودن به مفهوم لغوی آن در صورتی تحقیق می‌یابد که گروهی از مردم از دستورهایش فرمان برده. در مقابل او تسلیم شوند. خلافت از نظر لغت، به معنای جانشینی است، و خلیفه به کسی می‌گویند که پس از رفتن دیگری، در جای او قرار گرفته، کارهای او را عهده‌دار شود: «و استخلف فلان

۱. احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی قم ۱۳۸۷ ش، ج ۱، ص ۲۸.

۲. همان.

من فلان جعله مكانه... و الخليفة الذي يستخلف ممن قبله»^۱ فلانی از فلانی خلافت یافت؛ یعنی او را در جای خویش قرارداد... و خلیفه به کسی می‌گویند که جانشین کسی پیش از خود شود. امامت از نظر لغت به معنای رهبری و پیشوایی است: «أَمَّ الْقَوْمَ وَ أَمَّ بِهِمْ، تقدمهم؛ و هی الامامة و الامام کلّ من ائتمّ به قوم كانوا علی الصراط المستقیم أو كانوا ضالین.»^۲ قوم را امامت کرد و بر قوم امامت کرد؛ یعنی بر آن‌ها پیش افتاده و امامت به همین معنا است، و امام کسی است که گروهی به او اقتدا کنند؛ اعم از اینکه در راه هدایت باشند یا گمراهی.

خلیفه جانشین شخص پیش از خود است و همه اموری که نفر قبل بر عهده داشته است را بر عهده می‌گیرد. بنابراین اگر پیامبر خدا امر هدایت، ارشاد و سرپرستی مردم را بر عهده داشتند، خلیفه ایشان نیز باید مردم را هدایت کند و سرپرستی جامعه اسلامی را بر عهده گیرد. امام نیز مرجع و اصل هر چیزی است که مردم به همان اصل می‌نگرند و از او پیروی می‌کنند.

مفهوم اصطلاحی امامت و خلافت

الف) در اصطلاح متکلمان اهل سنت

جرجانی در تعریف امامت می‌نویسد:

«امامت، مقام شخصی است که ریاست عام دین و دنیا را دارد.»^۳

ایجی می‌نویسد:

«امامت، خلافت رسول در اقامه‌ی دین و حفظ حوزه‌ی شریعت است که پیروی از او بر

همه‌ی امت واجب است.»^۴

در القاموس الفقهی آمده است:

«امامت کبرا در نظر علمای حنفی، استحقاق تصرف عام بر خلق، و ریاست دین و دنیا به

جانشینی از پیامبر است.»^۵

قاضی عبدالجبار نیز می‌گوید:

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ناشر معهدالعلومک الانسانیه و الدراسات الثقافیه، ۱۳۸۵ش، ج ۱۲، ص ۲۴.

۲. همان، ج ۹، ص ۸۳.

۳. همان.

۴. عضالدین ایجی، عبدالرحمن بن احمد، شرح المواقف، ناشر دارالکتب العلمیه، بیروت، ج ۸، ص ۳۴۵.

۵. سعدی، ابوجیب، القاموس الفقهی، ناشر دارالفکر، دمشق، ۱۳۷۸ش، ص ۲۴.

«امام از نظر شرع، کسی است که بر امت ولایت دارد و در امور آنان تصرف می‌کند؛ آن

گونه که بالای دست او دستی نباشد.»^۱

ایجی درباره‌ی شرایط امامت می‌نویسد: جمهور معتقدند که امام باید در اصول و فروع مجتهد باشد تا بتواند امور دین را به پا دارد و بر عقاید دینی برهان اقامه نمایند و شبهات را حل کند و در حوادث و احکام بدون کمک دیگران فتوا دهد، زیرا مهم‌ترین چیزی که از امامت مقصود است، حفظ عقاید و فیصله دادن محاکم و رفع دعاوی است، و این امور، بدون اجتهاد در اصول و فروع تمام نمی‌شود.^۲

در تعاریف بالا جرجانی و سعدی امام را عهده دار امور دینی و دنیایی می‌دانند. قاضی عبدالجبار ولایت و تصرف را به گونه عام می‌داند و تنها ایجی است که امامت را در حوزه شریعت محدود کرده است. به نظر می‌رسد با توجه به معنای لغوی و نیز نظر بیشتر متکلمان، امامت را نمی‌توان تنها به حوزه شریعت محدود کرد.

ب) در اصطلاح امامیه

سید مرتضی در تعریف امامت می‌نویسد:

«الامامة ریاسة عامة فی الدین بالاصالة لا بالنیابة عمّن هو فی دار التکلیف»^۳

«امامت، ریاست عام دینی است که شخص از ناحیه‌ی خدای تعالی، نه به نیابت از

مکلفان، آن را دارا می‌شود.»

علامه حلی نیز می‌نویسد:

«امام کسی است که از سوی خدای تعالی، ریاست عام دین و دنیا را در دنیا دارا شده

است.»^۴

فیض کاشانی می‌نویسد:

«هر صفتی که در پیامبر شرط است، در امام هم لازم است، جز نبوت.»^۵

۱. قاضی همدانی، ابوالحسن عبدالجبار بن احمد، شرح الاصول الخمسه، ناشر مکتبه وهبه القاہره، ۱۳۸۴، ص ۵۰۹.

۲. ایجی، عبدالرحمن، شرح الموافف، پیشین، ج ۸، ص ۳۴۵.

۳. انصاری، سید مرتضی بن محمد امین، رسائل الشریف المرتضی، ناشر دارالقرآن الحکیم، قم، ۱۴۰۵هـ، ج ۲، ص ۲۶۴.

۴. حلی، حسن بن یوسف، الألفین، ناشر منشورات موسسه دین دانش، قم، ۱۴۰۵هـ، ص ۱۲.

۵. فیض کاشانی، محمد محسن بن مرتضی، علم الیقین، انتشارات حکمت، ۱۳۷۹ش، ص ۳۷۷.

در این تعاریف سید مرتضی و علامه حلی امام را کسی می‌دانند که از سوی خدای تعالی ریاست عام دین و دنیا را در دنیا دارا شده است. فیض کاشانی نیز به این امر اشاره دارد که امام تمام شرایط پیامبر را باید دارا باشد جز نبوت پس به نظر می‌رسد امامیه امامت را از جانب خدا می‌دانند.

۱/۲/۲ وحدت اسلامی

آیا مقصود این است که از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود، و سایر مذاهب کنار گذاشته شود. یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود. و مفترقات همه آن‌ها کنار گذاشته شود، و مذهب جدیدی بدین نحو اختراع گردد، که عین هیچ یک از مذاهب موجود نباشد؟ یا این که وحدت اسلامی، به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد، و مقصود از اتحاد مسلمین، اتحاد پیروان مذاهب مختلف، در عین اختلافات مذهبی، در برابر بیگانگان است؟ مخالفین اتحاد مسلمین، برای اینکه از وحدت اسلامی، مفهومی غیرمنطقی و غیرعلمی بسازند، آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می‌کنند تا در قدم اول، با شکست مواجه گردد. بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آن‌ها که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و علمی، نیست. منظور این دانشمندان، اتحاد مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان.

از نظرشان مسلمانان مشترکات بسیاری دارند که می‌تواند مبنای یک اتحاد محکم گردد، وحدت در جهان‌بینی، فرهنگ، سابقه تمدن، بینش و منش، معتقدات مذهبی، پرستش‌ها و نیایش‌ها و آداب و سنن اجتماعی به خوبی می‌تواند از آن‌ها ملت واحد بسازد و قدرتی عظیم و هایل به وجود آورد که قدرتهای عظیم جهان ناچار در برابر آن‌ها تواضع نمایند. تنها چیزی که وحدت اسلامی، از این نظر، ایجاب می‌کند، این است که مسلمین برای اینکه احساسات کینه‌توزی در میانشان پیدا نشود، یا شعله‌ور نگردد متانت را حفظ کنند. یکدیگر را سب و لعن ننمایند، به یکدیگر تهمت نزنند و دروغ نبنند و بالاخره، عواطف یکدیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند و در حقیقت لااقل حدودی را که اسلام در دعوت غیرمسلمان به اسلام، لازم دانسته است، درباره‌ی خودشان رعایت کنند.^۱ {ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي

۱. ساجدی نیا، محمد، فریاد سکوت، انتشارات آفتاب توس، ص ۱۳.

هِيَ أَحْسَنُ^۱؛ مردم را با برهان و اندرز نیکو به راه پروردگارت فراخوان و در این رهگذر با بهترین شیوه با آنان مجادله کن.

تلاش امام برای حفظ وحدت امت

امام علی X پس از رحلت پیامبر گرامی | باوجود این که خلافت را حق مسلم خویش می‌دانست، ولی همین که احساس نمود که زمینه برای احقاق حق خویش فراهم نیست و قیام او جز تفرقه میان امت اسلامی حاصل دیگری ندارد، و حفظ اصل اسلام از خلافت ظاهری مهم‌تر است، سکوت و یاری خلفا را پیشه خویش ساخت^۲ و فرمود: «صبر پیشه کردم درحالی که خار در چشم و استخوان در گلویم بود و می‌نگریستم که چگونه حق و میراث مرا به غارت می‌برند.»^۳ عنایت ویژه حضرت علی X به مسئله وحدت در سرتاسر کلمات ایشان به چشم می‌خورد. در جایی دیگر می‌فرمایند:

«وَالزُّمُودَ السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّادَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ.»^۴؛ و از تفرقه بپرهیزید که موجب آفت است. آن که از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهره شیطان است، چنانکه گوسفند چون از گله دور ماند نصیب گرگ بیابان است.

در نامه‌ای نیز می‌فرمایند:

«وَعَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاصِلِ وَالتَّبَادُلِ وَإِيَّاكُمْ وَالتَّدَابُرِ وَالتَّقَاطُعِ.»^۵؛ بر شما باد به یکدیگر پیوستن و به هم بخشیدن. مبادا از هم روی بگردانید، و پیوند هم را بگسلانید.

و در خطبه‌ای می‌فرمایند:

«فَإِيَّاكُمْ وَالتَّلُونِ فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ فُرْقَةٍ فِيمَا تُحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ.»^۱ پس در دین خدا از گونه‌گون شدن و ناپایدار ماندن بپرهیزید که

۱. نحل/۱۲۵.

۲. ساجدی نیا، محمد، فریاد سکوت، پیشین، ص ۱۲.

۳. الرضی، ابوالحسن محمد بن الحسین الموسوی، نهج البلاغه، ضبط نصّه وابتکر فهارسه العلمیه صبحی صالح، الطبعة الاولى، قم، مؤسسة دارالجهرة، ۱۴۲۳ق، خطبه ۳.

۴. همان، خطبه ۱۲۷.

۵. همان، نامه ۴۷.

همراه جماعت بودن در حقی که آن را خوش نمی‌انگارید، بهتر است از پراکنده شدن به خاطر باطلی که آن را دوست می‌دارید.

دیدگاه علامه امینی درباره‌ی وحدت

علامه بزرگوار آیت‌الله امینی، مؤلف جلیل‌القدر «الغدیر» نیز در رابطه با وحدت دیدگاهش را بیان می‌کند که بدین شرح می‌باشد.

علامه‌ی امینی به این نکته که لازم است نظر خود را در این موضوع روشن کنند و اینکه نقش‌الغدیر در وحدت اسلامی چیست، آیا مثبت است یا منفی؟ خود کاملاً توجه داشته‌اند و برای اینکه از طرف معترضان اعم از آنان که در جبهه‌ی مخالف خودنمایی می‌کنند و آن‌هایی که در جبهه‌ی موافق خود را جا زده‌اند مورد سوء استفاده واقع نشود، نظر خود را مکرر توضیح داده و روشن کرده‌اند. علامه امینی طرفدار وحدت اسلامی هستند و با نظری وسیع و روشن‌بینانه بدان می‌نگرند. معظم له در فرصت‌های مختلف در مجلدات‌الغدیر این مسئله را طرح کرده‌اند و ما قسمتی از آن‌ها را در این‌جا نقل می‌کنیم: در مقدمه‌ی جلد اول، اشاره کوتاهی می‌کنند به اینکه‌الغدیر، چه نقشی در جهان اسلام خواهد داشت. می‌گوید:

«و ما این همه را خدمت به دین، و اعلاء کلمه‌ی حق، و احیاء امت اسلامی می‌شماریم.»
در جلد سوم، صفحه‌ی ۲۶۸، تهمت سید رشید رضا را به شیعه، مبنی بر اینکه «شیعه از هر شکستی که نصیب مسلمین شود خوشحال می‌شود تا آن‌جا که پیروزی روس را بر مسلمین در ایران جشن گرفتند» نقل می‌کنند، و می‌گوید:

«این دروغ‌ها ساخته و پرداخته امثال سید محمد رشید رضاست. شیعیان ایران و عراق که قاعدتاً مورد این تهمت هستند، و هم‌چنین مستشرقان و سیاحان و نمایندگان ممالک اسلامی و غیرهم، که در ایران و عراق رفت و آمد داشته و دارند خبری از این جریان ندارند. شیعه بلااستثناء، برای نفوس و خون و حیثیت و مال عموم مسلمین اعم از شیعه و سنی احترام قائل است. هر وقت مصیبتی برای عالم اسلام در هر کجا و هر منطقه و برای هر فرقه پیش آمده است، در غم آن‌ها شریک بوده است. شیعه هرگز اخوت اسلامی را که

۱. همان، خطبه‌ی ۱۷۶.